



Psychological Analysis of the Character of “Erian” in the Novel *The Man Who Believed*, Based on Martin Seligman's Theory

Isa Zare Dorniani<sup>1</sup> Foad Abdolazadeh<sup>2</sup>

1. Corresponding Author, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Payame Noor University, Tehran, Iran. E-mail: zaredorniani@pnu.ac.ir

2. Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Zabol University, Zabol, Iran. E-mail: foadabdolazadeh@uoz.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type: Research Article (P1-17)

Article history:

Received: 5 October 2022

Received in revised form: 10 February 2023

Accepted: 27 February 2023

Published online: 21 June 2023

The positivist approach, which Martin Seligman founded in psychology, is one of the applied approaches in the psychological analysis of the novel's main character, and it implies the six virtues of the character, that is, courage, self-control, humanity, justice, excellence, and wisdom, which is a way to reach prosperity; Seligman believes that a person should have an optimistic attitude towards the future and achieve real happiness by using the power of personality to be optimistic in the future. He talks about happiness as a combination of strengths, positive psychology while overcoming emotions. Negativity changes them and by improving positive emotions and giving meaning to life, it reduces people's mental problems and improves their well-being. Therefore, in this research, this positivist approach in the main character "Erian" in the novel Al-Ralzah al-Amin by Najib Al-Kilani, who is one of the contemporary Arab writers and is aware of the behavior of the characters and their influence in the human society, is analyzed with descriptive method. Analytical, examines and portrays his behavior and personality change and has an effect on cultivating creativity, empowering and improving the condition of people. Erian, an intelligent character, critical thinking and self-confidence in doing something, appears and in the continuation of the novel, he turns into a revolutionary and brave character who confronts the western culture. The findings of the research indicate that Erian, on the way Arriving at the truth cultivates the virtue of humanity in one's existence and covers the sense of altruism, responsibility, tolerance of opposition, respect for others' opinions and comprehensive forgiveness.. he is grateful to God and the creatures who corrected his life path. The character of Arian in this romantic and religious novel, with a coherent and heartwarming plot, is a character with chaste love who cannot satisfy himself with superficial and clichéd ideas and seeks to gain knowledge and basic truth by deeply studying Islamic teachings. With courage and control of his temperament, he puts aside all attachments and prejudices in the path of truth, has patience and forgiveness in the face of disturbances and implements human values, behaves justly in interacting with people, so as to elevate his truth-seeking spirit. Give (superiority). Finally, with his inherent and acquired wisdom, he considers God's pleasure and is optimistic and hopeful about his world and the change of his life path. In the novel, the virtue of bravery in Erian's character started with his encounter with Shams and his initial attachment, until he changes his religion and discovers the truth, and on the way he faces events and in this context, he risks his life. Erian controls his ego's attachments until he reaches the truth and knowledge and gets God's approval.

Keywords: Positive Psychology, Seligman, Najib Al-Kilani, The Man Who Amen.

Cite this article: Zare Dorniani, Isa and Foad abdolazadeh (2023), “Psychological Analysis of the Character of “Erian” in the Novel *The Man Who Believed*, Based on Martin Seligman's Theory”, *Journal of Literary Criticism and Rhetoric*, Vol: 12, Issue: 1, Ser.N: 29, 1-17, 10.22059/jlcr.2023.345075.1861





# پژوهش‌نامه نقد ادبی و بلاغت

شاپای الکترونیکی: ۲۶۷۶-۷۶۲۷

<https://jalit.ut.ac.ir>



## تحلیل روان‌شناختی شخصیت «ایریان» در رمان *الرجل الذي آمن* بر اساس نظریهٔ مارتین سلیگمن

عیسی زارع درنیانی<sup>۱</sup> | فؤاد عبدالله‌زاده<sup>۲</sup>

۱. نویسندهٔ مسئول، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: [zarefordorniani@pnu.ac.ir](mailto:zarefordorniani@pnu.ac.ir)

۲. گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زابل، زابل، ایران. رایانامه: [foadabdolahzadeh@uoz.ac.ir](mailto:foadabdolahzadeh@uoz.ac.ir)

### چکیده

### اطلاعات مقاله

رویکرد مثبت‌نگر که مارتین سلیگمن، اساس آن را در روان‌شناسی بنیان نهاد، از رویکردهای کاربردی در تحلیل روان‌شناختی شخصیت اصلی رمان است و بر توانمندی و فضیلت‌های شش‌گانهٔ شخصیت، یعنی شجاعت، خودکنترلی، انسانیت، عدالت، تعالی و خرد دلالت دارد که راهی برای رسیدن به شکوفایی است؛ از این‌رو، این پژوهش بر آن است رویکرد مثبت‌نگر را در شخصیت اصلی «ایریان» در رمان *الرجل الذي آمن* از نجیب الکیلانی از نویسندگان معاصر عربی که به رفتار شخصیت‌ها و تأثیر و تأثر آنها در جامعهٔ بشری آگاه است با روش توصیفی و تحلیلی بررسی کند و تأثیر آن را در پرورش خلاقیت، توانمندسازی و بهبود وضعیت افراد، مشخص کند. یافته‌های پژوهش، حاکی از آن است که شخصیت ایریان در این رمان عاشقانه و مذهبی، با سبزی منسجم و دلنشین، شخصیتی است دارای عشق عقیف که نمی‌تواند خود را با عقاید سطحی و کلیشه‌ای راضی کند و با مطالعهٔ عمیق تعالیم اسلامی، درصدد کسب معرفت و حقیقت اساسی است. با شجاعت و کنترل هوای‌نفس خود، همهٔ دلبستگی‌ها و تعصبات را در راه حقیقت، کنار می‌نهد، در برابر نابسامانی‌ها، صبر و گذشت دارد و ارزش‌های انسانی را پیاده می‌کند، در تعامل با انسان‌ها، رفتارهای عادلانه به خرج می‌دهد تا روح حقیقت‌یاب خود را تعالی (برتری) بخشد. در نهایت با خرد ذاتی و اکتسابی خود، رضایت خداوند را مدنظر قرار می‌دهد و به دنیای خود و تغییر مسیر زندگی، خوش‌بین و امیدوار است. در رمان، فضیلت شجاعت در شخصیت ایریان با برخورد با شمس و دلبستگی اولیه شروع شد تا اینکه دینش را تغییر می‌دهد و به کشف حقیقت می‌پردازد و در راه آن با رویدادهایی روبه‌رو می‌شود و در این زمینه، جان خود را هم به خطر می‌افکند. ایریان، وابستگی‌های نفس خود را کنترل می‌کند تا اینکه به حقیقت و معرفت برسد و رضایت الهی را جلب نماید.

نوع مقاله: پژوهشی

(ص ۱-۱۷)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۱۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۳/۳۱

روان‌شناسی مثبت، سلیگمن، نجیب الکیلانی، رمان *الرجل الذي آمن*، ایریان.

کلیدواژه‌ها:

استناد: زارع درنیانی، عیسی و فؤاد عبدالله‌زاده (۱۴۰۲)، «تحلیل روان‌شناختی شخصیت ایریان در رمان *الرجل الذي آمن*، بر اساس نظریهٔ مارتین سلیگمن»،

پژوهش‌نامهٔ نقد ادبی و بلاغت، دورهٔ ۱۲، ش ۱، پیاپی ۲۹، ۱-۱۷. 10.22059/jlcr.2023.345075.1861



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

## ۱. مقدمه

روان‌شناسی علمی است که رفتار انسان را مطالعه می‌کند و یک مطالعهٔ تحلیلی و توصیفی است تا در درازمدت به کنترل، تفسیر و پیش‌بینی این رفتار برسد. روان‌شناسی ادبی، روشی است که به جنبه‌های روانی و درونی انسان‌ها در قالب آثار ادبی می‌پردازد. روان‌شناسی مثبت، شاخه‌ای از علم روان‌شناسی است که مارتین سلیگمن آن را در ۱۹۹۸م، زمانی که ریاست انجمن روان‌شناسی آمریکا را بر عهده داشت تأسیس کرد. این شاخه از روان‌شناسی کارکرد و خصوصیت مثبت انسان‌ها را بررسی می‌کند و رسالت اصلی آن، کمک به بهبود وضعیت افراد و پرورش خلاقیت آنهاست (أبوحلاوة، ۲۰۱۴: ۱۰ و الطویل، ۱۹۹۷: ۷).

مطالعهٔ روان‌شناختی شخصیت‌ها از اهمیت زیادی در جامعهٔ بشری برخوردار است. عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... بر شخصیت انسان تأثیر می‌گذارد. روان‌شناسی در این زمینه، به شخصیت‌ها و رفتار آن‌ها در آثار ادبی می‌پردازد و تأثیر و تأثر آنها را به تصویر می‌کشد (ابراهیم، ۱۹۸۵: ۲۹). مارتین سلیگمن بر ابعاد شخصیتی گوناگون یعنی شجاعت، خودکنترلی، انسانیت، عدالت، تعالی و خرد تأکید دارد. این شاخهٔ روان‌شناسی در آموزش، درمان و مسائل گوناگون کاربرد دارد (کاویانی، ۱۳۹۸: ۲۵۳-۲۵۲).

در رمان، مطالعهٔ شخصیت‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار است که شخصیت اصلی از مهم‌ترین ارکان و محور تمامی رویدادهاست (تودوروف، ۲۰۰۵: ۷۳). رویدادها را به جلو هدایت می‌کند، محرک حقایق موجود در متن است، هیچ شخصیتی نمی‌تواند بر او تسلط یابد و سپس نویسنده، به واسطهٔ او، ایده‌ای که می‌خواهد نشان می‌دهد (زغرب، ۲۰۰۶: ۱۳)؛ به این معنا که او قطب‌نماست که رویدادها را بر اساس الگوی خاصی هدایت می‌کند. این مدلی است که رمان‌نویس، او را از طریق نقشی که به او سپرده است، به تصویر می‌کشد (شربیط، ۲۰۰۹: ۴۵).

از نویسندگان معاصر عربی که به رفتار شخصیت‌ها و تأثیر و تأثر آنها در جامعهٔ بشری، آگاه بوده، نجیب الکیلانی، ادیب معاصر مصری است که پیشینهٔ طبابت داشته و در آثارش، شخصیت‌ها را به‌زیبایی به تصویر می‌کشد. از جمله آثارش، رمان *الرجل الذي آمن* است که شخصیت اصلی آن «إربان» است و رفتار و تغییر و تحول شخصیتی وی را به تصویر می‌کشد؛ لذا تحلیل روان‌شناختی این شخصیت حائز اهمیت است که اگر بر اساس نظریهٔ مارتین سلیگمن در روان‌شناسی مثبت باشد، نه‌تنها جنبهٔ نوآوری دارد، بلکه اهمیت مطالعه را در پرداختن به توانمندی‌های این شخصیت، بیشتر می‌کند. بر این اساس، در این پژوهش سعی شده است با روش توصیفی-تحلیلی، به روان‌شناختی شخصیت اصلی رمان *الرجل الذي آمن*، یعنی إربان بر اساس نظریهٔ مارتین سلیگمن، پرداخته شود و ضمن توصیف و تحلیل به سؤالات زیر پاسخ دهد:

- فضیلت‌های شش‌گانهٔ روان‌شناختی شخصیت از نظر مارتین سلیگمن کدام‌اند؟

- قابلیت‌های شخصیت إربان در رمان *الرجل الذي آمن* مربوط به فضیلت‌های شش‌گانه چگونه است؟

درباره سلیگمن و نجیب کیلانی و آثار او به صورت جداگانه پژوهش‌هایی صورت گرفته است؛ اما این پژوهش در نوع خود جدید است و تاکنون درباره تحلیل روان‌شناختی شخصیت «إربان» در *رمان الرجل الذي آمن* نجیب کیلانی بر اساس نظریه مارتین سلیگمن، پژوهشی انجام نشده است. برخی از پژوهش‌ها در این زمینه بدین شرح است:

- فائزه توقع همدانی در مقاله «نقد و بررسی داستان *الرجل الذي آمن*» (۱۳۸۱)، به بررسی تقابل‌های سیاسی و فرهنگی در رمان می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که نجیب کیلانی، باورهای اصیل دینی را در رمان خود تعلیم داده است.

- کبری خسروی در مقاله «بررسی و تبیین جایگاه زن در روایت‌های نجیب کیلانی» (۱۳۹۳)، به مسائل زنان، توجه می‌کند و به جایگاه زنان در روایت‌های نجیب کیلانی می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که نجیب کیلانی، نگاهی اسلامی به زن دارد و در روایت‌های ایشان، زنان موقعیت‌های اجتماعی مطلوب دارند.

- مریم اسماعیلی و محمد یزدانی در مقاله «مطالعه تطبیقی فضائل اخلاقی شش‌گانه در روان‌شناسی مثبت و نهج‌البلاغه» (۱۳۹۶) به تشابه و اختلاف دو دیدگاه و جامع‌نگری در خصوص فضائل مثبت می‌پردازند و به این نتیجه می‌رسند که دیدگاه نهج‌البلاغه، خدامحور و دیدگاه روان‌شناسی مثبت، انسان‌محور است.

- عباس تابان فرد و سکینه رسمی در مقاله «تحلیل داستان اعرابی درویش و همسر او در مثنوی معنوی مولوی بر اساس نظریه مثبت‌گرای مارتین سلیگمن» (۱۳۹۷)، به درمان توانمندمدار، مجسم‌سازی و توانمندسازی در داستان می‌پردازند و به این نتیجه می‌رسند که اندیشه‌های مولوی علاوه بر ظرفیت‌های ادبی، دارای ظرفیت‌های روان‌شناختی بسیاری است.

- وجیهه ترکمانی و سمانه نیرومند در مقاله «بررسی شخصیت سیاوش با نظریه مثبت‌اندیشی سلیگمن» (۱۳۹۸)، به بررسی شخصیت سیاوش با تکیه بر فضائل شش‌گانه روان‌شناسی مثبت سلیگمن می‌پردازند و نتیجه می‌گیرند که همه فضائل در نفس سیاوش وجود دارد و مرگ سیاوش در حقیقت روح فضائل شش‌گانه او را فریاد می‌زند.

## ۲. مبانی نظری پژوهش

کامل نجیب بن ابراهیم کیلانی متولد یکی از روستاهای استان غربی کشور مصر در سال ۱۹۳۱ بود. تحصیلات ابتدایی خود را در همان‌جا سپری کرد. بلافاصله در دانشگاه فواد اول در رشته پزشکی پذیرفته شد و بعد از فارغ‌تحصیلی در یکی از بیمارستان‌ها، مشغول به طبابت شد. کامل نجیب در سنین پایین به فراخوان اخوان المسلمین پیوست، این امر بر عقاید او تأثیر گذاشت، اطلاعات زیادی در اختیار او قرار داد و بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری ذهنیت سیاسی او داشت. عبدالناصر در ۲۶ اکتبر ۱۹۵۴ میلادی، بسیاری از افراد جنبش اخوان المسلمین را بازداشت کرد که نجیب کیلانی یکی از بازداشت‌شدگان بود. او به زندان نظامی منتقل شد و پس از گذراندن ۴۰ ماه در زندان، آزاد شد. نجیب کیلانی علاقه زیادی به ادبیات و دین اسلام داشت و آثار

متعددی از جمله *قاتل حمزه*، *اهل حمیدیه*، *مواكب الاحرار*، *أميرة الجبل*، *عذراء جاکارتا*، *الرجل الذي آمن* و ... در زمینه ادبیات و رمان نگاشت که متأثر از عقایدش بود (الکیلانی، ۱۹۸۷: ۴۵-۵).

مارتین سلیگمن در سال ۱۹۴۲ در آمریکا متولد شد و بعد از اتمام تحصیلات تکمیلی، بر کرسی استادی دانشگاه پنسیلوانیا نشست از ایشان به عنوان پدر روان‌شناسی مثبت یاد می‌شود و حدود ۱۴ سال، این نوع روان‌شناسی را در دانشگاه تدریس می‌کرد تا اینکه در سال ۱۹۹۸ به عنوان رئیس انجمن روان‌شناسی آمریکا انتخاب شد و از همان زمان، این شاخهٔ روان‌شناسی را به علم روان‌شناسی اضافه نمود. آثار متعددی از جمله *خوشبختی اصیل*<sup>۱</sup>، *شکوفای شدن*<sup>۲</sup>، *کودک خوشبین*<sup>۳</sup>، *خوشبین یادگرفت*<sup>۴</sup> در زمینهٔ روان‌شناسی مثبت دارد که به بیش از بیست زبان ترجمه شده است (Sligman, 2005: 58).

## ۲-۱. مفهوم روان‌شناسی مثبت مارتین سلیگمن

در دوران قبل از جنگ جهانی دوم، تمرکز روان‌شناسی بر درک و درمان بیماری‌ها و اختلالات روانی مختلف بود و دانشمندان به توانمندی و موفقیت انسان‌ها و تأثیر آن بر سلامت روحی و جسمی، توجه چندانی نمی‌کردند. تا اینکه روان‌شناسی مثبت‌گرا توسط مارتین سلیگمن، به شکل رسمی، ظهور پیدا کرد و آن را به عنوان شعاری برای ریاست خود در انجمن روان‌شناسی در نظر گرفت. او از معلم خود، آبراهام مزلو، الهام گرفت و بر نقاط قوت انسان، به موازات درمان بیماری‌های مختلف روانی، تأکید می‌کرد (Aisyah, 2015:48).

سلیگمن بر این اعتقاد است که فرد باید نگرشی خوش‌بینانه نسبت به آینده داشته باشد و با بهره‌گیری از قدرت شخصیت بر خوش‌بینی در آینده به خوشبختی واقعی دست یابد. افرادی که خوش‌بین هستند بهتر از نگرش‌های گذشته از زندگی سالم، بهره می‌برند (Sudiman, 2003:24).

روان‌شناسی مثبت ضمن غلبه کردن بر احساسات منفی، آنها را تغییر داده و با بهبود عواطف مثبت و معنابخشی به زندگی مشکلات روحی افراد را کاهش و بهزیستی آنها را ارتقا می‌دهد. سلیگمن با نگاهی خوشبینانه به طبیعت انسان، در پی رشد فضایل و توانمندی‌هاست و می‌کوشد با مطالعه رفتار انسان پیچیدگی‌های آن را با روش علمی سازگار کند (صفری و همکاران، ۱۴۰۰: ۲).

سلیگمن در تلاش برای ارائه شواهد علمی بود تا این اثبات شود که احساسات مثبت بر سلامت و زندگی انسان تأثیر می‌گذارد، سعادت را می‌توان آموخت و به دست آورد (Khalil, 2007:76). آنچه سلیگمن معتقد است تغییر در بافت تفکر برای رسیدن به یک زندگی بهنجار است. اگر سلیگمن از سعادت به عنوان ترکیبی از نقاط قوت صحبت می‌کند، می‌توان این نقاط قوت را به عنوان فضیلت‌هایی در نظر گرفت که انسان از طریق آنها فضیلت‌مند می‌شود. این فضیلت‌ها شامل **شجاعت**: خودباوری، پایداری کمال و سرزندگی؛ **خودکنترلی**: توانمندسازی،

1. *Authentic Happiness*
2. *Flourish*
3. *The Optimistic Child*
4. *Optimistim Learned*

اعتماد به نفس و پرهیزکاری؛ انسانیت: عشق، مهربانی و هوش اجتماعی؛ عدالت: رعایت حقوق شهروندی، بی‌طرفی، احتیاط و نظم بخشیدن به عملکرد خود؛ تعالی: امیدواری، قدرشناسی، شوخ‌طبعی، دانستن ارزش زیبایی‌ها و شگفتی‌ها؛ خرد: خلاقیت، کنجکاوی، عشق به یادگیری و وسعت نظر می‌شود که انسان را به سلامت روانی می‌رساند و به بهبود کیفیت زندگی به منظور افزایش قدرت روانی می‌انجامد (Silalahi, 2009:76).

### ۲-۲. خلاصهٔ رمان *الرجل الذی آمن*

«ایران» شخصیت مسیحی و موسیقی‌دان اهل ایتالیاست که عاشق دختری به نام «صوفیا» می‌شود و به خواستگاری ایشان می‌رود؛ اما ایشان پاسخ منفی می‌دهد. بعد از این ماجرا، ایران با گروه موسیقی خود، به دبی سفر می‌کند و در هتلی در آنجا با دختری به نام «شمس»، رفاصه‌ای مسلمان، آشنا می‌شود و ضمن علاقه‌مندی، پیشنهاد ازدواج به او می‌دهد؛ اما از آنجا که ایران، مسیحی و شمس مسلمان است، پیش‌شرط شمس این است که ایران مسلمان شود. ایران به مطالعه و تحقیق دین اسلام می‌پردازد و به اصول اسلام آشنا می‌شود و در نهایت با گفتن شهادتین، مسلمان می‌شود و نام خود را به عبدالله تغییر می‌دهد. شمس که از این رفتار ایران، بسیار خرسند می‌شود، به نزدش می‌رود تا ازدواج را بپذیرد؛ اما ایران، ازدواج با شمس را نمی‌پذیرد؛ چرا که شمس، پایبند به اصول عملی دین اسلام نبود. ایران که به حقیقت اسلام، ایمان آورده بود موسیقی و نوازندگی را کنار می‌گذارد و بیشتر به مطالعهٔ دین اسلام می‌پردازد. شیخ مسجد دختری به نام «میسون» را که سوری‌الاصل بود، برای ازدواج به او پیشنهاد می‌دهد. میسون در یک خانوادهٔ فرهنگی، پرورش یافته بود. ایشان دارای شخصیتی باصالت، باهوش و شیرین‌سخن است که هدف خود را رسیدن به زندگی واقعی و پرورش نسلی متعهد و متخصص می‌داند. در نهایت، پیشنهاد ازدواج با ایران را می‌پذیرد؛ اما مدتی از زندگی مشترک آنها نمی‌گذرد که ایران ترور می‌شود و از مرگ نجات پیدا می‌کند و مسیر زندگی را با میسون ادامه می‌دهد تا اینکه صاحب چند فرزند می‌شوند و روزگار را در نهایت آرامش و خوشبختی می‌گذرانند (الکیلانی، ۲۰۰۵: ۱۲۷-۶).

### ۳. تحلیل روان‌شناختی شخصیت ایران

شخصیت اصلی در رمان *الرجل الذی آمن* نجیب الکیلانی، ایران است که مورد توجه نویسنده و خوانندگان قرار گرفته است. گویا نویسنده با محوریت قراردادن این شخصیت و توجه به کنش و واکنش‌های ایشان در رمان، رسالت و هدف خود را از نگارش این رمان نمایان می‌کند و می‌خواهد این موضوع را هم مدنظر قرار دهد که چنین شخصیت‌هایی چگونه می‌توانند بر جوامع بشری و اعتقادات انسان تأثیر بگذارند و هم از آنها متأثر شوند.

#### ۳-۱. شجاعت

فضیلت شجاعت یک تعهد مراقبتی و هوشمندانه است که منجر به یک نتیجه نهایی ارزشمند می‌شود. یک فرد قوی، فردی معنادار است که از تهدیدها، چالش‌ها، مشکلات و رنج‌ها، عقب‌نشینی نمی‌کند و حتی در هنگام رویارویی با یک چالش، آنچه را که صادق است می‌گوید و

مطابق ایمان خود، عمل کند (Aisyah, 2015: 44).

ایران، عاشق رقاصه شرقی شد که هم‌دین و آیینش نبود و با وجود اینکه پدر ایران، به عنوان کشیش، برایش مهم بود که پسرش با دختری مسیحی و اهل ایتالیا ازدواج کند، اما ایران با شجاعت، این را نادیده می‌گیرد؛ هرچند ممکن است پیامد نامطلوبی داشته باشد: «لم يخف عن أبيه قد تعلق براقصة شرقية تعمل معه في الفرقة»<sup>۵</sup> (الکیلانی، ۲۰۰۵: ۱۸). با وجود اینکه پدرش، کشیش مسیحی بود و جایگاه عالی داشت. تغییر دین پسر برایش بسیار سخت بود؛ اما ایشان جرئت و شجاعت داشت و به دنبال کشف مجهول بود و از عواقب آن ترسی نداشت: «لاشك أن وضع إيران سيكون أشد صعوبة و حرجا بسبب مكانة أبيه الدينية المرموقة، لكن لماذا يسبق الأحداث، ويتوقع اليبلاء قبل نزوله؟...»<sup>۶</sup> (همان: ۲۸). ایران با تحقیق، دین اسلام را انتخاب کرد و به همین خاطر با وجود جایگاه پدرش، این شجاعت را داشت که دینش را تغییر دهد؛ چراکه پس از مطالعه دین اسلام، اساس زندگی را دستیابی به حقیقت می‌دانست و برای رسیدن به حقیقت، از تغییر دادن دینش بیمی نداشت: «ذلك يا أبتی لست طامعاً في عرض من أمور الدنيا، ولا حالما بجاه... ولقد وهبني الله الإرادة والعقل لكي أبحث حتى أصل إلي الحقيقة... ومعرفة الحقيقة أو أطراف منها هي جوهر الحياة، ولا معني للحياة بدون ذلك. فلماذا يا أبتی نخاف من الحقيقة؟»<sup>۷</sup> (همان: ۶۱). در این زمینه آماده بود که در راه خدا جاننش را از دست بدهد. این شجاعت برای افرادی رخ می‌دهد که بخواهند به حقیقت برسند: «إئتني مستعداً للتضحية في سبيل الله»<sup>۸</sup> (همان: ۹۶). ایشان به خاطر عقیده از جامعه‌اش متواری نشده بود، بلکه این شجاعت و تعهد هوشیارانه داشت که در هر جامعه‌ای، مردم را به تصحیح عقایدشان فراخواند هر چند که با تهدیدها و مشکلات روبه‌رو شود: «إنه لا يهرب بعقيدته من مجتمعه أو من أي مجتمع في الدنيا... بل يستطيع أن يدعو الناس إلي تصحيح عقائدهم دون خوف أو وجل»<sup>۹</sup> (همان: ۹۵).

ایران، فضیلت شجاعت را در وجود خود ارتقاء داد و از یک سو، بر نگرانی‌های ناشی از ترس خود چیره شد و از سوی دیگر، با اراده‌ای قوی توانمندی خود را افزایش داد. با کناره‌گیری از دین ارثی (مسیحی)، عدم ترس از جایگاه پدرش و طرد اجتماعی، این اراده را داشت که با تحقیق و

۵. از پدرش ترسید و عاشق دختر رقاصه شرقی در گروه شد.

۶. بدون شک شرایط برای ایران به علت جایگاه عالی دینی پدرش، بسیار دشوار خواهد بود؛ چراکه او بر حوادث پیشی می‌گیرد و قبل از وقوع حوادث، آن را پیش‌بینی می‌کند.

۷. پدرم! به اموری از امورات دنیا، طمع ندارم و سودای جاه و مقام ندارم... در حقیقت، خداوند به من عزم، اراده و عقل بخشیده است تا با تحقیق، به حقیقت برسیم... شناخت حقیقت یا به ماندن، اصل زندگی است و زندگی بدون آن، معنا ندارد. پس پدرم! چرا از حقیقت بترسیم؟

۸. من در راه خدا، آماده فداکاری هستم.

۹. او به خاطر عقیده از جامعه‌اش و یا از هر جامعه‌ای دیگر در دنیا فرار نمی‌کند؛ بلکه می‌تواند مردم را به تصحیح عقایدشان بدون ترس، فراخواند.

مطالعه، دین اسلام را انتخاب کند تا به حقیقت برسد.

### ۳-۲. خودکنترلی

فضیلت خودکنترلی، تلاشی است برای سازمان‌دهی خود در یک فعالیت با گنجاندن ظرفیت ذهنی یا توانایی داشتن انگیزه و رفتار مثبت. فرد آگاهانه آنچه را احساس می‌کند و انجام می‌دهد، مدیریت می‌کند و در کنترل احساسات خود بسیار منظم است و قادر است تصمیم درستی بگیرد (Gugrondan Rinin: 2010: 33).

یریان در همان روزهای آغازین سکونت در دبی، عاشق دختر هم‌گروه خود، «شمس» می‌شود؛ اما ایشان از پذیرش امتناع می‌کند مگر اینکه یریان مسلمان شود. یریان هم این پیشنهاد را می‌پذیرد. توانایی کنترل انگیزه و تحمل هوای نفس خود را دارد و رضایت‌مندی نفس خویش را به تعویق می‌اندازد: «قال یریان: أحببتها أردت الزواج... أفهمتي باستحالة ذلك إلاً إذا كنت مسلماً سألتها عن الإسلام قالت: اذهب وابحث عنه لنفسك»<sup>۱۰</sup> (الکیلانی، ۲۰۰۵: ۳۱). بعد از اینکه یریان مسلمان می‌شود به دنبال حقیقت و اسلام می‌رود شمس که به ایشان دلباخته می‌شود احساس خود را به یریان منتقل می‌کند؛ اما یریان، عواطف خود را کنترل می‌کند و برای رسیدن به حقیقت و اهداف بهتر تلاش می‌کند: «قالت شمس کیف أهرک وأنت فی دمائی؟ قال یریان دعینی أوصل البحث... وسأعود عندما أجد الحقيقة»<sup>۱۱</sup> (همان: ۳۲). زمانی که معشوقه قدیمی (صوفیا) به پیشنهاد پدر یریان، به دبی مسافرت می‌کند تا ایشان را برگرداند، در اولین دیدار قصد معاشقه می‌کند؛ اما یریان با نرم‌خویی، ممانعت از این عمل می‌شود. در برابر وسوسه‌های کوتاه‌مدت، خویشتن‌داری می‌کند و برای رسیدن به دستاوردهای طولانی مدت از لذت‌های کوتاه مدت، اجتناب می‌کند: «هجمت علیه صوفیا، وطوقته بذراعیها، وحاولت تقبيله لکنه دفعه بقوة لکن برقة وقال: فماذا بعد الحق الا الضلال؟»<sup>۱۲</sup> (همان: ۸۰). بعد از اینکه یریان حقیقت اسلام را درک می‌کند، با شمس قرار ملاقات می‌گذارد. شمس خیال می‌کند که او قصد خواستگاری دارد؛ اما یریان بر وسوسه نفسانی خود غلبه و از طرح پیشنهاد خودداری می‌کند و بنا بر تعهد اخلاقی که دارد، به شمس می‌گوید که قصد ازدواج با او را ندارد و این را قاطع، اما لطیف بیان می‌کند تا خودش و او را سرخورده نکند. یریان که نامش را به عبدالله تغییر داده بود، از منطق برای تسلط بر غریزه استفاده می‌کند؛ چراکه برای ایشان برخلاف شمس، رضایت خداوند مدنظر است نه رضایت شخص: «حينما التفتت به توهمت أنه قدعاد إليها یخطب ولكن قال لها: واعذريني إذا

۱۰. یریان گفت: من او را دوست داشتم، می‌خواستم ازدواج کنم... او به من فهماند که این غیر ممکن است، مگر اینکه مسلمان باشی، از او درباره اسلام پرسیدم، گفت: برو خودت پیدا کن.

۱۱. شمس گفت: چگونه تو را ترک کنم در حالی که تو جانمی؟ یریان گفت: «بجازه دهید به جستجو ادامه دهم... و وقتی حقیقت را پیدا کردم برمی‌گردم».

۱۲. صوفیا به او حمله کرد و دستانش را دور او حلقه کرد و سعی کرد او را ببوسد، اما او به سختی همراه با نرمی او را هل داد و گفت: پس از حق جز گمراهی چیست؟



قلت لك أنه لم يعد بيننا ما يجمعنا قالت في دهشة: لم أتصور أن تتفوه بهذا الكلام قال في هدوء: إني عبدالله غير إريان قسّم وأريد امرأة مسلمة»<sup>۱۳</sup> (همان: ۱۰۰).

اریان، با مطالعه، بهره‌گیری از تعالیم اسلامی و کسب مهارت، این توانمندی را در خود به وجود آورد که از رفتارها و هیجان‌ها و تمایلات نفس خود، جلوگیری کند و صفت خودکنترلی را در وجود خویش تقویت نماید. این نیروی درونی، ایشان را به سمت تحقق اهداف که کسب حقیقت است سوق داد تا به رضایت طولانی‌مدت برسد.

### ۳-۳. انسانیت

«فضیلت انسانیت در روان‌شناسی با عنوان رفتارهای نوع‌دوستانه یا جامعه‌پسندانه تعبیر می‌شود و هم‌دلی و هم‌دردی، زیربنای رفتارهای قابل ستایش است» (اسماعیلی و یزدانی، ۱۳۹۶: ۱۵۶). این انسانیت از یک طرف دربردارندهٔ عشق است که اساس روابط انسانی برای رسیدن به خوشبختی است و با عشق و محبت نمودن، انسان احساس رضایت درونی می‌کند؛ چراکه باعث نزدیکی به یکدیگر و ارزش‌گذاری می‌شود و از طرف دیگر، شامل نیکی کردن، مهربانی و بخشش می‌شود که لذت‌بخش است و موجب تقویت نوع‌دوستی و احساس مسئولیت اجتماعی می‌شود (Arvan, 2016: 58).

اریان متذکر می‌شود که همیشه احساسات انسانی اعم از خوشایند و ناخوشایند است و این احساسات، حس نوع‌دوستی و مسئولیت‌پذیری را در او تقویت می‌کند: «لكن المشاعر الإنسانية لاتنفصل عن أي عمل من أعمالي، هذا الفرق بيني وبين الكثيرين من قرنائي»<sup>۱۴</sup> (الکلیانی، ۲۰۰۵: ۲۱). بعد از اینکه اریان اسلام آورد، شمس ابتدا از صفات پسندیدهٔ ایشان گفت و سپس خواست که با او عشق‌بازی کند؛ اما وی نپذیرفت؛ زیرا به این حقیقت رسیده بود که خداوند همیشه شاهد اعمال انسان‌هاست و بر اساس تعهد به رفتارهای اخلاقی و انسانی که از آموزه‌های اسلامی یاد گرفته بود، این رفتار را بعد از ازدواج می‌دانست: «لكن الله يرانا يا شمس، إنك تعطيني شيئاً لا استحققه... ليس فيك حق إلا بعد الزواج»<sup>۱۵</sup> (همان: ۵۹).

اریان با وجود اینکه پدرش به خاطر پذیرش اسلام، وی را نکوهش و اعلام کرد که از ارث و کمک‌های مالی محروم می‌شود، به پدرش احترام می‌گذاشت و همچنان به او اظهار علاقه‌مندی می‌کرد و وی را دوست داشت که این رفتار، نمونهٔ بارز انسانیت است: «يا أبتی... قبلاتي علي يدك ورأسك ووجهك الباسم الحنون»<sup>۱۶</sup> (همان: ۶۲)؛ و گویا از این حدیث شریف تبعیت می‌کرد:

۱۳. وقتی به او توجه کرد، گمان کرد که برای خواستگاری نزد او آمده است، اما به او گفت: ببخشید اگر به شما بگویم که دیگر چیزی بین ما نیست که ما را به هم پیوند دهد، با تعجب گفت: تصور نمی‌کردم که شما این را بگویید آهسته گفت: من عبدالله هستم غیر از اریان قدیم و زن مسلمان می‌خواهم.

۱۴. اما احساسات انسانی از هیچ یک از کارهای من جدا نیست، تفاوت من با بسیاری از همسالانم همین است.

۱۵. اما خدا ما را می‌بیند ای شمس! که چیزی به من می‌دهی که لیاقتش را ندارم... تا بعد از ازدواج بر من حقی نداری.

۱۶. پدرم! بوسه‌هایم بر دست، سر و صورت خندان و مهربانت.

«نگاه کردن فرزند به پدر و مادرش از روی محبت، عبادت محسوب می‌شود»<sup>۱۷</sup> (الحرانی، ۱۳۸۲: ۴۶). بعد از اینکه با میسون مسلمان ازدواج کرد قضیه عشق به عنوان رابطه انسانی در وجود او نمایان شد؛ چرا که عشق، نهایت انسانیت است و با عشق است که انسان به معرفت می‌رسد هر چه معرفت بیشتر شود عشق پایدارتر می‌شود: «قال لها بعد الزواج: لقد آمنت بنظرية الحب من أول نظرة... یكون الحب اندماج روحین وجسدین»<sup>۱۸</sup> (همان: ۱۰۶). بعد از حادثه تروری که برای ایرانیان رخ داد و زنده ماند به همسرش میسون عشق ورزی کرد و خودش را خوشبخت یافت و این خوشبختی را مدال افتخار می‌دانست: «نظر إلي میسون في حبّ ... ومسح علي رأسها في حنان مشبوب وقال: إني سعيد ... سعيد جداً... لقد نلت الوسام» (همان: ۱۱۲). عشق حقیقی، انسان را نیرومند می‌کند و ظرفیت درونی او را آشکار می‌کند و رونق می‌بخشد و برای رسیدن به حقیقت مطلق (معشوق ازلی) از خودگذشتگی نیاز است که حتی ممکن است به فدا شدن هم بینجامد (میری رستمی، ۱۳۹۴: ۱۲۸). در نظر ایرانیان هم این‌گونه عشق حقیقی، محور انسانیت است. ایرانیان به گذشت و بخشش اشاره می‌کند فردی را که به او حمله کرده، می‌بخشد و این بخشش و گذشت را از توصیه‌های پیامبر اکرم<sup>ص</sup> و قرآن کریم می‌داند: «أوصانا نبینا الکریم بأن نغفو عنم ظلمنا... و نصل من قطعنا... أوصانا أن نفشي السلام و ندعو العصاة و الخطاة إلى التوبة و الندم و الاستغفار... و قال لنا القرآن من عفي و أصلح فأجره علي الله»<sup>۱۹</sup> (همان: ۱۱۶). گذشت و سعه صدر از اصول کرامت انسانی است. فردی که می‌بخشد و گذشت می‌کند، باعث می‌شود احساسات مثبت نظیر هم‌دردی و حق‌شناسی را در وجود خود تقویت کند و به طرف مقابل، فرصت برای جبران بدهد و اعتماد از دست‌رفته او را بازسازی کند و همچنین افرادی که گذشت کنند، ناراحتی خود را به فراموشی می‌سپارند و کمتر دچار مشکلات و فشارهای روانی می‌شوند (واسوانی، ۱۳۹۸: ۸۵).

فضیلت انسانیت در نفس ایرانیان، با عشق، مهربانی، نیکوکاری، خیرخواهی و بخشش، نهادینه شده است و این فضیلت با رسیدن به معرفت، کشف حقیقت و درک اسلام تقویت می‌یابد و باعث ارتقای معنویت ایشان می‌شود که نتیجه آن، بهزیستی و سلامت روانی می‌شود.

### ۳-۴. عدالت

در روان‌شناسی مثبت، «فضیلت عدالت دارای مصداق‌هایی است که در اصل مدنی باشد؛ مانند انصاف، شهروندی، رهبری و کار گروهی» (اسماعیلی و یزدانی، ۱۳۹۶: ۱۵۷). ایرانیان بعد از سکونت در دبی، احساس شهروندی نمود؛ گویا به‌راحتی با قوانین آن جامعه کنار آمده بود: «إنّه أدرك لأول

۱۷. «نظر الوالد إلى والديه حباً لهما عبادة».

۱۸. بعد از ازدواج به او گفت: من به نظریه عشق در نگاه اول اعتقاد داشتم ... عشق آمیختگی دو روح و دو جسم است.

۱۹. پیامبر اکرم ما را به عفو کسانی که به ما ظلم کردند امر فرمودند... به کسانی که جدا شدیم ببینند... به ما دستور داد که صلح را گسترش دهیم و نافرمانان و گنهکاران را به توبه و پشیمانی و مغفرت دعوت کنیم... و قرآن به ما گفت: هر که ببخشد و اصلاح کند، اجر او با خداست (شوری: ۴۰).

وهلة ارتياحه لما يري ويسمع وشعر بتألف حميم مع هذا المجتمع الذي يدلّف إليه لأوّل مرة»<sup>۲۰</sup> (الکيلانی، ۲۰۰۵: ۱۲). ایران به دنیایی با آداب رسوم خاص قدم نهاده بود تا زندگی جدید را تجربه کند؛ لذا خود را با آن جامعهٔ جدید هماهنگ کرد تا شهروندی سازگار باشد: «تأكد إیران أنه يدخل دنیا جدیدة، لها مذاقها الخاص»<sup>۲۱</sup> (همان: ۱۳). در دبی، آزادی دین و سیاست به عنوان حقوق بشر و عدالت اجتماعی وجود داشت و ایران به این معتقد بود که باید آزادی عبادت و نظم و امنیت برای همگان فراهم باشد: «حرية العبادة مكفولة للجميع ... ولا اكره في الدين ... هذه عقيدتنا وسياستنا»<sup>۲۲</sup> (همان: ۱۴). کار گروهی و مشارکت که بخشی از عدالت اجتماعی است در دبی وجود داشت و ایران با کنجکاوی آن را مشاهده کرد و سعی کرد خود را با آن هماهنگ سازد: «رأی إیران، بعد أن تنتهي الصلاة يبادرون إلی أعمالهم ويتعاونون جميعاً في قضاء الحاجات»<sup>۲۳</sup> (همان: ۳۵). انصاف در احترام نمودن به پدر و مادر و دوست داشتن هردو، جزء خرد ذاتی و اکتسابی ایران بود و سعی می‌کرد اظهار محبت خود را منصفانه بین آن دو تقسیم کند: «لا تحزن يا أبتي فإن حبي لك خالد أبدي وكذلك الأمر بالنسبة لأمي...»<sup>۲۴</sup> (همان: ۶۲). ایران برای رسیدن به اسلام، دچار آزمایش‌هایی شد تا اینکه به معرفت و حقیقت اسلام برسد. افق فکری خود را گسترانید و بر خود واجب نمود تا به عنوان رهبر، این رسالت حقیقی عدالت‌محور را به دنیا ابلاغ کند؛ به امید اینکه فساد از بین برود: «فهو يعتقد أن العمر قصير والمسؤوليات جسيمة وفرض علي المسلم أن يبلغ الرسالة ... قال لنفسه: عليك أن تصلح هذا العالم الكبير الذي استشري فيه الفساد»<sup>۲۵</sup> (همان: ۱۲۳).

در شخصیت ایران، فضیلت عدالت نهادینه شده است و این عدالت در قالب شهروندی سازگار بودن و به نظم اجتماعی احترام گذاشتن، در رویارویی با رویدادها، رفتار منصفانه داشتن، همکاری اجتماعی نمودن و ایمان داشتن به آن و داشتن روحیهٔ رسالت‌گری و رهبری دینی، جلوه‌گری می‌کند.

### ۳-۵. تعالی (برتری)

تعالی به بررسی متغیرهایی می‌پردازد که عملکرد برتر را تعیین می‌کند و وجود آن در همهٔ حوزه‌های اجتماعی، ارزشمند است (Hall, 2000: 78). این تعالی از یک طرف، قدردانی از

۲۰. او برای اولین بار فهمید که به آنچه می‌بیند و می‌شنود خرسند است و با این جامعه ای که برای اولین بار وارد آن شده بود احساس راحتی می‌کند

۲۱. ایران مطمئن است که وارد دنیای جدیدی می‌شود که سلیقه خاص خود را دارد.

۲۲. آزادی عبادت برای همه تضمین شده است ... در دین هیچ اجباری نیست ... این اعتقاد و سیاست ماست.

۲۳. ایران دید بعد از پایان نماز، مردم به کار خود می‌شتابند و همه در کسب معاش و نیازمندی‌ها، همکاری می‌کنند.

۲۴. غمگین مباش پدرم که عشق من به تو جاودانه است و مادرم هم همینطور...

۲۵. او معتقد است که عمر، کوتاه و مسئولیت‌ها، سخت است و ابلاغ پیام بر مسلمان واجب است. به خودش گفت باید این دنیای بزرگ را اصلاح کنی که فساد در آن بیداد می‌کند.

زیبایی‌ها و حق‌شناسی را دربرمی‌گیرد که فرد به چیزهای زیبا، همراه با عملکرد ماهرانه در عرصه‌های مختلف علاقه‌مند می‌شود و همچنین از اتفاقات خوبی که در حال رخ دادن است، آگاه است و هرگز آن را نادیده نمی‌گیرد و اطرافیان به‌خوبی می‌دانند این شخص کسی است که می‌تواند سپاسگزار باشد (Arif setiadi, 2016: 86). از طرف دیگر، امیدواری، خوش‌بینی و تقویت معنویت را دربردارد؛ اینکه انسان همیشه امیدوار است در آینده بهترین باشد و برای رسیدن به انتظارش سخت تلاش می‌کند و معتقد است آینده آن چیزی است که می‌توان آن را پرورش داد و احساس می‌کند که اگر سخت تلاش کند، به واقعیت خواهد رسید و همچنین تقویت معنویت که باعث می‌شود انسان، احساس شور و اشتیاق شدید به درک اشیاء نماید و این می‌تواند مربوط به دین و دیگران باشد (Yulmadia: 2016:70).

إربان از زیبایی خلقت، طبیعت و از نظام‌مند بودن آنجا قدردانی می‌کند و همه اینها را جلوه شکوه، برتری و بزرگی می‌داند: «وابتسم إربان وهو يسير بجذء الخلیج ذی المیاه الزرقاء النقیة ویری النظام الدقیق لحركة المرور، وقال: یا إلهی ... ماهذه الروعة کلّها»<sup>۲۶</sup> (الکیلانی، ۲۰۰۵: ۱۲). با زندگی در این مکان، حس بهتر شدن به إربان دست می‌دهد، خوش‌بین است و به آینده‌اش در این مکان امیدوار است: «خیل إلیه أن المیزات فی هذه البلاد ترجح وأنه اکثر سعادة واستفاده ... و أن المستقبل یدو مشرقاً وواعداً»<sup>۲۷</sup> (همان: ۱۴). حس برتری و تعالی، گاهی در لباس معنویت نمایان می‌شود. در جامعه‌ای که إربان وارد آن شده است ارزش‌های معنوی زیاد است که این خود فضیلت است: «نعتقد أن المجتمع الفاضل هو الذی یسیر فی کنف القیم الروحیة الفاضلة»<sup>۲۸</sup> (همان: ۱۵). إربان به آینده‌اش در این کشور خوش‌بین است و آن را بهشت موعودی می‌داند که در رؤیاهاش در آن به سر می‌برد و احساس می‌کند با پرورش در این زندگی جدید به اهدافش می‌رسد و او را بلندمرتبه می‌کند: «یحیل إلیه إیحیاناً أن هذه البلاد هی الجنة الموعودة الی کان یحلم منذ أمد بعید وأنّ الرّب راضٍ عنه»<sup>۲۹</sup> (همان: ۱۷). إربان، بسیار تلاش می‌کند که به حقیقت برسد و این با کشف ناشناخته‌ها میسر می‌شود و رسیدن به حقیقت، یعنی حرکت به سوی تعالی را از بستر اسلام می‌داند: «إن دراسته للإسلام رحلة استکشافیة یقتحم فیها المجهول ویكشف عن المستور»<sup>۳۰</sup> (همان: ۲۸). رسیدن به تعالی با کشف حقیقت حاصل می‌شود. شیخ محله به إربان می‌گوید حقیقت از بستر تعالیم اسلامی حاصل می‌شود که باید به آن چنگ بزند و این

۲۶. و اربان لبخند می‌زد در حالی که کنار خلیج دارای آب زلال، پاک و آبی راه می‌رفت و سیستم دقیق تردد را می‌دید و گفت: خدای من... این همه شکوه چیست؟

۲۷. او تصور می‌کرد که مزایای این کشور زیاد است. اینجا، سعادت و سودآوری بیشتر دارد و آینده‌اش روشن و امیدوارکننده به نظر می‌رسد.

۲۸. ما بر این باوریم که جامعه با فضیلت، جامعه‌ای است که در چارچوب ارزش‌های معنوی با فضیلت، حرکت کند

۲۹. گاهی تصور می‌کند که این کشور همان بهشت موعودی است که مدت‌هاست آرزویش را داشته و پروردگار از او راضی است.

۳۰. مطالعه او درباره اسلام سفری اکتشافی است که در آن به ناشناخته‌ها نفوذ می‌کند و پنهان‌ها را آشکار می‌کند

را بهترین گنج در تمام هستی می‌داند: «ستجده یا ایران و عندما تجده تشبث به ذلك لأنه اغلي كنوز الدنيا»<sup>۳۱</sup> (همان: ۳۴). بعد از اینکه ایران اسلام آورد رسیدن به سعادت را فقط با کشف حقیقت، میسر می‌دانست و حاضر شد برای رسیدن به آن، ثروت، زن و ... را نادیده بگیرد؛ گویا حس تعالی را در نفس خود پرورش می‌دهد و آن را تقویت می‌کند: «أنا لا أريد مالا ولا امرأة ولا مجدا... ولكني أريد الحقيقة، إنها أغلي عندي من كل ما في الدنيا...»<sup>۳۲</sup> (همان: ۶۱). زمانی که ایران، تمام دلبستگی‌های دنیوی را نادیده گرفت و به عمق اسلام پی برد و حقیقت را دریافت، آن را نردبان عروج و بلندمرتبه‌گی دانست که جلوهٔ زیبایی آن در وجود انسان می‌درخشد؛ گویا همه چیز را زیبا می‌بیند و می‌شنود و نوعی حس امیدواری، خوش‌بینی و مثبت‌اندیشی به ایشان دست می‌دهد: «قال إيران: عندما تصعدين إلي أرض النور القدسي تتجلي لك الحقائق دون زيف، ويشرق الصدق دون رياء وتسمعين صوت الحق يتردد في الآفاق صدها»<sup>۳۳</sup> (همان: ۸۰). با وجود اینکه از ازدواج با شمس منصرف شده بود، اما به دلیل اینکه ایشان باعث شده بود که به دنبال کشف حقیقت برود، یادآوری کرد که احسان ایشان را فراموش نمی‌کند، نگاه برادرانه به او دارد و این حس قدرشناسی و حق‌شناسی باعث می‌شود که او را همیشه دعا کند: «قال لها: لن أنسي فضلك سنعيش كأخوين في الله سأدعو لك دائماً في صلاتي»<sup>۳۴</sup> (همان: ۱۰۲).

ایران برای رسیدن به هدف برتر، یعنی حقیقت، به تحقیق و مطالعهٔ دین اسلام پرداخت و حاضر شد تمامی دلبستگی‌ها را نادیده بگیرد تا به معرفت حقیقی برسد. راه خداوند بلندمرتبه را شاهراه رسیدن به بلندی و برتری می‌دانست که در این زمینه از هیچ تلاشی دریغ نکرد.

### ۳-۶. خرد

خرد، فضیلت انسانی برگرفته‌شده از نیروی درونی است که باعث می‌شود فرد از زندگی بهتر بهره‌مند شود؛ با ژرف‌اندیشی بتواند نصایح خردمندان به دیگران بدهد؛ عشق به یادگیری داشته باشد؛ با روشن‌فکری، دیدگاهش دربارهٔ زندگی چندبعدی شود، به صورت خلاقانه، برای زندگی بهتر، راه‌حل‌های جدید به‌کارگیرد و با کنجکاوی، به موضوعات جدید اظهار علاقه‌مندی کند (جبریل، ۲۰۱۹: ۱۲۰).

ایران کلام خردمندان به دوستش می‌گفت که این ناشی از ژرف‌اندیشی ایشان بود. با وجود اینکه در کشوری بیگانه به سرمی‌برد، خویش‌داری و خردورزی را سرلوحه خود قرار داده بود: «واملك نفسك تملك الدنيا وافعل ما شئت مادمت مؤمناً به واثقاً بنفسك، الغرباء لا تحرسهم

۳۱. ای ایران! آن را خواهی یافت و چون یافتی به آن چنگ بزن زیرا گران‌بهارترین گنج جهان است.

۳۲. من نه پول می‌خواهم، نه زن، نه شکوه... اما حقیقت را می‌خواهم که برایم از همه چیز در دنیا با ارزش تر است.

۳۳. ایران گفت: هنگامی که به سرزمین نور الهی عروج می‌کنی، حقایق بدون باطل بر تو آشکار می‌شود و حق بدون ریا می‌درخشد و صدای حق را در افق، طنین انداز می‌شنوی.

۳۴. به او گفت: نیکی‌ات را فراموش نمی‌کنم، ما برادرانه در راه رضای خدا زندگی می‌کنیم و همیشه در نماز برای دعا می‌کنم.

أموالهم ولا أسلحتهم، لكن يجرسهم العقل الواعي والروح المهمة»<sup>۳۵</sup> (الکيلاني، ۲۰۰۵: ۷). عشق به یادگیری را که ناشی از خردورزی ایشان بود سرلوحه خودش قرار داد و در همان ایام ورودش به دبی سعی کرد زبان عربی را یاد بگیرد: «حاول منذ البداية أن يلتقط كلمات أساسية في اللغة العربية»<sup>۳۶</sup> (همان: ۱۷). ایران با خردورزی و فکری روشن می خواست که اسلام را درک کند و از شمس خواست تا راهنمایی اش کند و نقشه راه را نشان دهد تا اسلام را بشناسد: «قال إيران: أرشديني ... صفي لي الطريق ... أريد أعرف»<sup>۳۷</sup> (همان: ۲۶). ایران خودش را متقاعد کرد که با تحقیق، دینش را انتخاب کند و با کنجکاوی و فکری روشن، دینی را انتخاب کند که خرد و دلش بپذیرند: «أقنع نفسه بأنه من الواجب أن يأخذ فكرة عن الديانات الأخرى ثم يختار العقيدة التي يراها أقرب إلى العقل والقلب»<sup>۳۸</sup> (همان: ۲۷). کنجکاوی و عشق به یادگیری، ایران را برآن داشت که کتاب‌هایی که تعلیم اسلامی را به او یاد بدهد به صورت عمیق فراگیرد و در برابر شکوه و بزرگی اسلام متعجب شود و در ذهنش این تداعی می‌شد که با فراگیری تعلیم اسلامی، حقایق بسیاری برای ایشان کشف می‌شود: «كان إيران يلتهم الكتب التهاماً، وكان مذهولاً امام روعتها أدرك فعلاً أنه يدلف إلى عالم حي مثير لم يكن يتوقعه، إنه يميظ اللثام عن حقائق كثيرة رائعة»<sup>۳۹</sup> (همان: ۳۱). بعد از اینکه تعلیم اسلامی را فراگرفت، دانست که راه صحیح برای رسیدن به خداوند راه اسلام است و به یادگیری کامل این نقشه راه، عشق داشت و در این زمینه بسیار کنجکاو شده بود و سؤال می‌کرد که با علم و شناخت به اسلام برسد: «أريد أن اعرف الطريق الصحيح إلى الله يا أبتاه ... قال الشيخ: التواضع يفتح الطريق والسؤال هو باب العلم»<sup>۴۰</sup> (همان: ۳۲). با روشن‌فکری به این واقعیت رسیده بود که برای کشف حقیقت، باید تحقیق و سؤال بسیار نمود: «من حق طلاب الحقيقة أن يتساءلوا ويبحثوا»<sup>۴۱</sup> (همان: ۳۴). ایران به صورت کنجکاوانه، رفتارهای شمس را زیر ذره‌بین قرار داده بود از جمله اینکه چرا روزه را به عنوان امری واجب ادا نمی‌کند؟ به همین خاطر به طور خردورزانه به شمس فهماند که اسلام ندارد فقط به صورت ارثی به او رسیده است و از زندگی مشترک با وی امتناع دارد: «لماذا لا

۳۵. مالک خود باشید، صاحب دنیا شوید و آنچه را که می‌خواهید انجام دهید تا زمانی که به آن ایمان دارید و به خود اعتماد دارید. غریبه‌ها با سرمایه و سلاح محافظت نمی‌شوند، بلکه توسط ذهن خودآگاه و روح مهم محافظت می‌شوند.

۳۶. او از همان ابتدا سعی کرد کلمات اساسی را در زبان عربی فرا گیرد.

۳۷. ایران گفت: راهنماییم کن... راه را برایم تعریف کن... می‌خواهم بدانم.

۳۸. او خود را متقاعد کرد که لازم است در مورد ادیان دیگر ایده‌ای به دست آورد و سپس عقیده‌ای را که به نظر او نزدیک به ذهن و قلب می‌داند انتخاب کند.

۳۹. ایران به طور عمیق کتاب‌ها را فراگرفت و از شکوه و عظمت آنها شگفت زده شد. او در واقع متوجه شد که وارد دنیای زنده هیجان انگیزی می‌شود که انتظارش را نداشت. او حقایق شگفت انگیز بسیاری را فاش می‌کرد.

۴۰. می‌خواهم راه به سمت خدا را بشناسم پدرم!... شیخ فرمود: تواضع، راه را می‌گشاید و سؤال، باب علم است.

۴۱. حقیقت‌جویان، حق پرسش و تحقیق دارند.

تصومین فی رمضان؟ کیف تصوم الرافضة یا ایران؟ الصیام فرض»<sup>۴۲</sup> (همان: ۵۲). ایران با ژرف‌اندیشی و خردورزی به این حقیقت رسیده بود که زندگی آستن حوادث جدید است. انسان‌ها با گذر روزگار و اتفاقات پیش‌آمده تغییر می‌کنند: «قال ایران: أشياء كثيرة في الحياة تموت... وأشياء أخرى تولد... كل يوم يحدث ذلك... و ایران الامس غیر ایران الیوم» (همان: ۷۹). بعد از سوء‌قصدی که به جان ایران شد و در بیمارستان نجات پیدا کرد، پدرش خواست که او را با دلیل و منطقی قانع‌کننده به وطنش روم برگرداند. وی هم خردورزانه و خلاقانه پاسخ داد که دینش وطنش است: «قال: ایران یا ولدی أریدک تعود معنا إلی روما بعد الشفاء... قدیغیر الإنسان دینه، لکنه لاینسی وطنه... قال: معذرة یا أی... إن دینی هو وطنی»<sup>۴۳</sup> (همان: ۱۲۲).

ایران بعد از اینکه به دبی سفر کرد و در طول سفر، اتفاقاتی برایش رخ داد که باعث شد صاحب‌خردی شود که به خرد ذاتی او اضافه شود و این خرد اکتسابی در وجودش نهادینه شد. با به‌کارگیری آن، راه درست را از راه اشتباه انتخاب کرد و به سعادت و خوشبختی ایشان انجامید.

#### ۴. نتیجه

روان‌شناسی مثبت‌مارتین سلیگمن، دارای عناصری اصلی است که خوشبختی نامیده می‌شود. این عناصر، مشتمل بر شجاعت، عدالت، انسانیت، خودکنترلی، تعالی و خرد است که می‌تواند فضیلت‌های دیگر را پشتیبانی کند. شخصیت اصلی رمان *الرجل الذي آمن*، ایران، یک شخصیت باهوش، با دید وسیع، تفکر انتقادی و اعتمادبه‌نفس در انجام کاری ظاهر می‌شود و در ادامهٔ رمان، به یک شخصیت تحول‌خواه و شجاع تبدیل می‌شود که با فرهنگ غربی مقابله می‌کند. در نهایت، شخصیت ایران با برخورداری از فضیلت‌های مثبت، شخصیتی محکم می‌شود و هدف اصلی زندگی خود (دستیابی به حقیقت) را آشکار می‌کند که از دین جدید (اسلام) آموخته است. خانواده، محیط و دوستان از عوامل مؤثر در رشد شخصیت ایران هستند که ایشان با فضیلت‌های مثبت روان‌شناختی، اعم از ذاتی و اکتسابی که در وجودش نهادینه شده است، با آنها روبه‌رو می‌شود.

ایران، در راه رسیدن به حقیقت، فضیلت انسانیت را در وجودش پرورش می‌دهد و به حس نوع‌دوستی، مسئولیت‌پذیری، تحمل مخالف، احترام به عقاید دیگران و بخشش، جامع عمل می‌پوشاند. او در محبت و چگونگی برخورد با دیگران رفتاری منصفانه دارد و قدردان خداوند و مخلوقات است که مسیر زندگی او را اصلاح کردند. ایران به آیندهٔ خود خوش‌بین است و همواره قدم در راه تکامل و تعالی انسانیت می‌نهد و همچنین با ژرف‌اندیشی، کنجکاوی و عشق به یادگیری، فضیلت خرد را برای رسیدن به حقیقت، سرلوحهٔ خویش قرار می‌دهد.

۴۲. چرا در ماه رمضان روزه نمی‌گیرید؟ رقصنده چگونه روزه می‌گیرد ای ایران؟ روزه واجب است.

۴۳. گفت: ایران! پسر! می‌خواهم بعد از بهبودی با ما به روم برگردی... آدم ممکن است دینش را عوض کند، اما وطنش را فراموش نمی‌کند... گفت: ببخشید پدرم! دینم، وطنم است.

## منابع

قرآن کریم.

- إبراهيم، عبدالستار (۱۹۸۵)، *الإنسان وعلم النفس، الكويت، علم المعريف*.
- اسماعیلی، مریم و محمد یزدانی (۱۳۹۶)، «مطالعه تطبیقی فضائل شش گانه در روان شناسی مثبت و نهج البلاغه»، *مطالعات اسلام و روان شناسی*، سال ۱۱، ش ۲۰، ۱۴۹-۱۷۵.
- ابوحلاوة، محمدالسعيد (۲۰۱۴)، *علم النفس الإيجابي، مصر، دارالمعارف*.
- تابان فرد، عباس و سکینه رسمی (۱۳۹۷)، «تحلیل داستان اعرابی درویش و همسر او در مثنوی معنوی مولوی بر اساس نظریه مثبت گرای مارتین سلیگمن»، *ادبیات تطبیقی*، دوره ۶، ش ۳، ۳۳-۴۴.
- ترکمانی، وجیهه و سمانه نیرومند (۱۳۹۸)، «بررسی شخصیت سیاوش با نظریه مثبت اندیشی سلیگمن»، *ادبیات فارسی*، دوره ۱۵، ش ۱۹، ۱-۱۳.
- تودوروف، تزفیطان (۲۰۰۵)، *مفاهیم سردیه، ترجمه عبدالرحمن مزیان، بیروت، مرکز الثقافی العربي*.
- توقع همدانی، فائزه (۱۳۸۱)، «نقد و بررسی داستان *الرجل الذي آمن*»، *حکمت سینویه*، ش ۱۹، ۶۳-۷۰.
- جبریل، فاروق مصطفی (۲۰۱۹)، *سیکولوجية الحكمة، مصر، ديامط، مكتبة نانسي*.
- الحراني، ابو محمد حسن بن علي (۱۳۸۲)، *تحف العقول عن آل رسول، ترجمه صادق حسن زاده، قم، مطبعة اسلامية*.
- خسروی، کبری (۱۳۹۳)، «بررسی و تبیین جایگاه زن در روایات نجیب الکیلانی»، *پژوهشنامه زنان*، سال پنجم، ش ۲، ۲۳-۴۶.
- زغرب، صبیحة (۲۰۰۶)، *جماليات السرد في الخطاب الروائي، الأردن، دارمجد لاوي للنشر والتوزيع*.
- شریبط، احمد (۲۰۰۹)، *تطور البنية الفنية في القصة الجزائرية المعاصرة، الجزائر، دارالقصة للنشر*.
- صفری، مریم و همکاران (۱۴۰۰)، «مطالعه شاخصه های نظریه بهزیستی در غزلیات شمس بر پایه روان شناسی مثبت نگر سلیگمن»، *ادب عرفانی*، سال پانزدهم، ش ۲، ۱-۱۸.
- الطویل، عزت عبدالعظیم (۱۹۹۷)، *معالم علم النفس المعاصر، اسکندرية، دارالمعارف الجامعية*.
- کاوایانی، محمد (۱۳۹۸)، *روان شناسی در قرآن؛ مفاهیم و آموزه ها، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه*.
- الکیلانی، نجیب (۲۰۰۵)، *رواية الرجل الذي آمن، بیروت، مؤسسة الرسالة*.
- \_\_\_\_\_ (۱۹۸۷)، *لمحات من حياتي، بیروت، مؤسسة الرسالة*.
- میری رستمی، سیدهاشم (۱۳۹۴)، *عقل و عشق در عرفان و فلسفه، تهران، گیوا*.
- واسوانی، جی پی (۱۳۹۸)، *جادوی بخشش، ترجمه بهرام جعفری فیجانی، تهران، محراب دانش*.

## References

- The Holy Quran. (In Arabic)
- Abu Halawa, Muhammad Al-Saeed (2014), *Positive Psychology, Egypt, Dar Al-Maaref*. (In Arabic)
- Aisyah, Shane (2015), *Positive Psychology, Usa, Sage Publication*. (In English)
- Al-Harrani, Abu Muhammad Hassan bin Ali (2003), *Tuhaf al-Uqul `an Al-Rasool, translated by Sadiq Hassanzadeh, Qom, Islamic Press*. (In Arabic)
- Al-Kilani, Najeeb (2005), *The Novel of the Man Who Believed*, Beirut, Al-Risala institution. (In Arabic)
- ) \_\_\_\_\_ (1987), *Glimpses of My Life*, Beirut, Al-Resala institution. (In Arabic)
- Al-Taweel, Izzat Abdel-Azim (1997), *Milestones of Contemporary Psychology*, Alexandria, Dar Al-Maaref Al-Jami ah. (In Arabic)



- Arif setiadi, Iman (2016), *Psikologi Positif Pendekatan Sainifik Meuja Kebahagian*, Jakarta: PT. Gremedia Pustaka Utama. (In English)
- Arvan, Pradiansya (2016), *The Law OF Happiness*, Jakarta, PT Integriates Lestari Management. (In English)
- Gabriel, Farouk Mustafa (2019), *The Psychology of Wisdom*, Egypt, Diamat, Nancy Library. (In Arabic)
- Gugrondan Ririn, Risnawita (2010), *Teori- Teori Psikologi*, Yogyakarta, Ar-RUZZ Media. (In English)
- Hall, C. S (2000), *Teoria da personalidade* (M. A. V. Veronese), Trad. 4a ed. Porto Alegre: Artmed. (In English)
- Hamdani's Tvaghoh, Faezeh (2002), "Naqd wa Barrsi Dastan, the Man Who Believed," *Hikmat Sinawayh*, Vol. 19, 63-70. (In Persian)
- Ibrahim, Abdul Sattar (1985), *Man and Psychology*, Kuwait, Al-Ma'rif Science. (In Arabic)
- Ismaili, Maryam and Mohammad Yazdani (2016), "Comparative study of the six virtues in positive psychology and Nahj al-Balagha", *Islamic and Psychology Studies*, year 11, No. 20, 149-175. (In Persian)
- Khalil, Ahmad (2007), *Merengkua Bamagia Dialog Algoran, Tasawuf Dan Psicology*, Malang. Malang Press. (In English)
- Kaviani, Mohammad (2018), *Psychology in the Qur'an; Concepts and Teachings*, Qom, Hoza Research Institute and University. (In Persian)
- Khosravi, Kobri (2013), "Examining and explaining the position of women in the narratives of Najib Al-Kilani", *Women's Research Journal*, 5th year, Vol. 2, 23-46. (In Persian)
- Miri Rostami, Sayedhashem (2014), *Intellect and Love in Mysticism and Philosophy*, Tehran, Giwa. (In Persian)
- Safari, Maryam and colleagues. (2021), "Study of the characteristics of the theory of well-being in Shams's poetry based on Seligman's positive psychology", *Adeb Irfani*, 15th year, Vol. 2, 1-18. (In Persian)
- Silalahi, Ulber (2009), *Metode Penalittion Social*, Bandung, Ptrfuke Aditama. (In English)
- Sligman. Martin (2005), *Authentic Happiness*, Banung, PT Mizana Pustaka. (In English)
- Sudiman, Tabba (2003), *Tasawuf positive*, Bogor, prend Media. (In English)
- Taban Fard, Abbas and Sakineh Rasmi (2017), "Analysis of the Arabic story of Dervish and his wife in Mawlawi's Masnavi based on the positivist theory of Martin Seligman", *Comparative literature*, Volume 6, Vol. 3, 33-44. (In Persian)
- Turkmani, Vajihe and Samane Niromand (2018). "Examination of Siavash's personality with Seligman's theory of positive thinking", *Persian Literature Magazine*, Volume 15, No: 19, 1-13. (In Persian)
- Todorov, Tzvetan (2005), *Narrative Concepts*, translated by Abdul Rahman Meziane, Beirut, Arab Cultural Center. (In Arabic)
- Vaswani, J.P. (2018), *The Magic of Forgiveness*, translated by Bahram Jafari Fijani, Tehran, Mihrab Danesh. (In Persian)
- Yulmadia, dan Rldiah (2016), «Religiusitas dan Spiritulitas: Konse Yangsama atan Berbeda?» *Jurnal Ilmiah Penelition Psikologi kajian Non Empiris*, vol:2, No2. 62-73. (In English)
- Zagreb, Sabiha (2006), *Narrative Aesthetics in Novel Discourse*, Jordan, Dar Majid Lawi for Publishing and Distribution. (In Arabic)